

پژوهشی کوتاه در ۵۰۰۰ سال تاریخ تمدن ایران

«تجدید حیات نهضت ادبی ایران»

بخش پژوهش‌های تاریخ و تمدن مجله‌ی فردوسی

ادامه از شماره گذشته

۱- چون قومی وحشی، بیابان‌گرد، همیشه گرسنه، بی‌فرهنگ، بی‌اعتقاد، شراب‌خواره، عیاش، گستاخ، بی‌آبرو و به دور از آداب معاشرت و اخلاق انسانی بودند،

۲- به خاطر این که خود را پیروز بر قومی با فرهنگ و تمدن و فرهیخته می‌دانستند،

۳- چون نمی‌خواستند در مقابل علم، اندیشه، خرد و دانایی ایرانیان اظهار عجز کرده و تسلیم شوند،

بنابراین، راه اصلی خود را که نژاد آن‌ها به ایشان آموخته بود انتخاب کردند و با ابراز خشم و قتل و غارت و تجاوز به مردمی که هیچ‌گونه مقاومتی از خود نشان نمی‌دادند، عقده‌های سرکوب شده و نهفته در ذات

می‌پروراندند که این قسمت‌ها را همانند سال‌های آغاز اسلام زیر نفوذ خود درآوردند، بسیار دیر شده بود.

غلام بچه‌هایی که در ایام نوجوانی و جوانی در حرم سراهای پادشاهان ترک زندگی شکنجه‌آوری را سپری می‌کردند، پس از رسیدن به حکومت به تلافی آن دوران نکبت بار انتقام و حشتناکی از مردم می‌گرفتند.

خلفای اسلامی این دوره که فقط نام حاکمان اسلامی را بر خود داشتند و فقط دل‌خوش بودند که خطبه به نام آن‌ها خوانده شود، قدرتی نداشتند که در مقابل حکومت‌های ستم‌گر و ملوک‌الطوایفی متصرفات گسترده اسلامی مقاومت نمایند. به

همین سبب شورش، آشوب، بی‌قانونی، بی‌اعتقادی، قتل و غارت، سرتاسر متصرفات ایرانی خلفا را دربر گرفته بود.

از نیمه‌ی دوم قرن چهارم هجری قمری نوبت به حکومت مستقیم غلامان ترک می‌رسد و تا قرن نهم ادامه می‌یابد و به طور غیرمستقیم تا پایان حکومت قاجاریه و آغاز نهضت مشروطیت این نفوذ ناخواسته ادامه دارد.

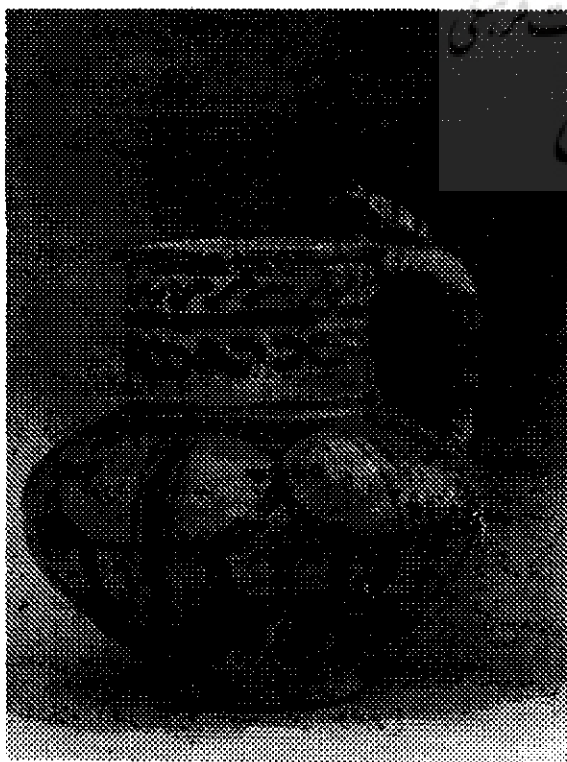
غلامان ترک به سه دلیل تاریخی زیر:

قبایل بیابان‌گرد، وحشی، گرسنه و خون‌خواری چون: غزان، افراسیابیان، ختانیان، سلجوقیان، قفجاقیان، خوارزم شاهیان، ترکمانان، قزلباشان یا خزلخیان، آن چنان وحشی در بین مردم ایجاد کرده بودند که هیچ ایرانی در انتظار روزهای بدتر و شوم‌تر از این روزها نبود. هیچ کس نمی‌دانست این وحشیان، جاده صاف‌کن امواج سهمگین و ویران‌گر خون‌آشامانی مانند چنگیز، تیمور و هلاکو هستند.

در این دوره وحشت‌انگیز از تاریخ ایران هر غلامی که خون‌ریزتر، خون‌خوارتر، متجاوزتر، رسواتر و گستاخ‌تر به ناموس مردم بود، به فرماندهی گروهی از قبایل گرسنه، پابرنه و سوار بر اسبان لخت، بخش‌های بزرگی از ایران بی‌سر و صاحب را زیر نفوذ خود در می‌آورد. خلفای اسلامی در این دوران شوم آن‌چنان سرگرم

پادشاهان سلجوقی که وارثان خلق و خوی نکبت بار و کتیف پدران خود بودند، در دستگاه حکومتی خود صدها غلام بچه‌تگاه‌داری می‌کردند.

حرم‌سراهای خود در کاخ‌های بغداد بودند و آن قدر سرگرمی و دل‌مشغولی داشتند که دیگر فرصتی به آن‌ها دست نمی‌دادند که به سرزمین‌های شرقی و سرزمین‌های اسلامی دور دست برسند. اگر هم در سر



خدمت مالکان و حاکمان و پادشاهان بودند و سوگلی آن‌ها محسوب می‌شدند، در هنگامی که بزرگ می‌شدند و غیرقابل استفاده بودند، اگر از زیر تیغ مرگ بار اربابان خود نجات می‌یافتند و جان سالم به در می‌بردند، از سوی مالکان خود به حکومت ایالات و ولایات منصوب می‌گردیدند. بسیاری از این غلامان ترک دیروزی که به مقام‌هایی منصوب شده بودند، با مرگ اربابان خود با ترفند و یا زور حکومت را در دست می‌گرفتند و خودشان پادشاه می‌شدند. سبک تکین پدر سلطان محمود، غلام و داماد

آلپ تکین بود که حکومت را پس از مرگ آلپ تکین به دست گرفت و مؤسس سلسله پادشاهی غزنوی گردید.

مجسم کنید بلایی را که این غلام بچه‌های دیروزی و پادشاهان امروزی بر سر مردم بی‌گناه می‌آوردند. با چه چیزی قابل مقایسه بود؟ اینان چون به حکومت می‌رسیدند از همان آغاز سلطنت به تلافی زجر و شکنجه‌های روحی، جسمی و جنسی روزهای کودکی و

نوجوانی دست به اعمال شنیع و حیوانی می‌زدند که کم‌تر تاریخ‌نویسی جسارت بیان واقعی آن را پیدا کرده است.

سلجوقیان که پس از غزنویان سرنوشت پادشاهی و اداره این مملکت را به دوش کشیدند، وارثان راستین این خلق و خوی حیوانی و غیر اخلاقی بودند. در بیرون، اندرون و خلوت‌گاه کاخ‌های بیش‌تر پادشاهان سلجوقی و دستگاه حکومتی آنان

جنسی از سوی مالکان خود قرار می‌گرفتند.

خرید و فروش و تعویض این ترک بچه‌گان از سوی اربابانشان کاری بسیار معمولی در بین ترکان بود. دلان فراوانی در این دوره به کار خرید و فروش غلام بچه‌ها مشغول بودند و از بابت این معامله‌ها به ثروت‌های بادآورده‌ای می‌رسیدند.

بسیاری از دلان این کودکان بی‌گناه به عنوان کارشناسان خبره و متخصص در جست‌وجوی یافتن انواع ریز، درشت، زیبا، چاق، قد بلند و خوش اندام بودند تا آن‌ها را



به مشتریان خود بفروشد. غلام‌فروشی در این دوره یکی از مشاغل آبرومند و نان و آبدار است.

بسیاری از این غلامان امروزی که در

بسیاری از پادشاهان سلجوقی شاید در تمام عمر خود حتی یک مرتبه با زنان و کنیزان بی‌شمار حرم‌سراهای خود هم‌بستر نمی‌شدند، اما تمام شب‌های طولانی و نکبت‌بار عمر خود را با پسر بچه‌های کم سن و سال می‌گذراندند.

خود را با حکومت ترور و قتل و غارت ارضا می‌کردند.

تراژدی سهمگین تاریخ این دوره از آن زمانی آغاز گردید که عده‌ای غلام در لباس

پادشاه، امیر، سردار، خان و حاکم بر سرنوشت و مقدرات این سرزمین مسلط شدند. هیچ یک از این غلامان اصالت خانوادگی نداشتند و از طبقات پست و زجر کشیده و برخی نیز پدر و یا مادر مشخصی نداشتند. اخلاق خانوادگی و روابط شرافتمندانه‌ی انسانی در بین غلامان ترک وجود نداشت. این پادشاهان جدید بدون استثنا غلام‌هایی بی‌نام و نشان و بدون خانواده بودند که دوران کودکی را به غلام بچه‌گی و

نوکری در خانه‌ی اربابان خود می‌گذراندند. این غلام بچه‌ها که به غلام ترک در ادبیات ما مشهور شده‌اند در دوره نوجوانی و جوانی مورد سخت‌ترین شکنجه‌های جسمی و

تراژدی سهمگین تاریخ ایران از زمانی آغاز گردید که عده‌ای غلام و غلام زاده ترک بر تخت شکوه مند پادشاهان هخامنشی و ساسانی تکیه زدند.

حکومت اقوام مهاجم ترک از نیمه ی دوم قرن چهارم خورشیدی آغاز گردید و تا پایان حکومت قاجاریه ادامه داشت.

برای روشن تر شدن وضع اجتماعی ایران در عصر سلطه‌ی غلامان ترک و قبیله‌های مهاجم زردپوست از دکتر ذبیح‌الله صفا، استاد مسلم تاریخ و ادبیات ایران و کتاب ارزشمندش «تاریخ ادبیات در ایران» کمک کی گیریم. دکتر صفا می‌گوید: «چنانکه دیده‌ایم دوره‌ای که مورد مطالعه ماست، دوره غلبه عنصر ترک از قبایل زرد پوست و غلامانی بود که معمولاً از میان طوایف قفقاز و ترکمان و قرلق و غیره می‌آوردند.»

صدها غلام بچه و بندگان و بردگان نوجوان و زیباروی حضور داشتند. در دستگاه حکومتی و کاخ‌های پادشاهان سلجوقی و ترک تبار وجود زنان ارزش معاشرتی نداشت و این غلامان ترک و نوجوانان و جوانان دل‌نواز بودند که جای زنان را در حرم‌سراهای این آدم‌ها! گرفته بودند.

در این دوره و دوره‌های شوم بعدی تسلط ترکان و نژاد زرد بر سرنوش این مملکت، پادشاهان، وزرا، رجال، مقامات مملکتی، ثروتمندان، شاعران، مالکان عمده و حتی افراد معمولی هر کدام به فراخور سبب اقتصادی خانواده خود، تعداد زیادی غلام ترک نوجوان نگاه‌داری می‌کردند.

شهرهای فرارود (ماوراءالنهر) در این دوره مرکز تجارت و خرید و فروش غلامان ترک در انواع مختلف بود. غلامان مختلف بچه سال، نوجوان و جوان از سرزمین‌های مختلف برای فروش به این ناحیه آورده می‌شدند.

در سرزمین‌های زیر تسلط ترکان تعداد غلام بچه‌گان آن قدر زیاد بودند که علاوه بر رفع نیاز دربار، رجال و مردم عادی، گروه، گروه به سرزمین‌های مجاور صادر می‌شدند. بازرگانان بزرگ و کوچک به خاطر معامله‌ی این کودکان به ثروت انبوه می‌رسیدند و برای دلالت و کار چاق‌کن‌های دست دوم و سوم نیز منبع درآمد خوبی ایجاد شده بود.

سلجوقیان اگر چه به شاخه‌های بسیار زیادی تقسیم شده بودند، اما توانستند در طول ۲۶۳ سال حکومت خود و تمام حکومت‌های کوچک و بزرگ سرزمین‌هایی را که بر آن چیره شده بودند برانداخته و امپراتوری بزرگی از هندوستان تا



«بیشتر سلسله‌های سلاطین و امرای ایران در این دوره از همین غلامان و قبایل تشکیل یافت، و چنانکه میدانیم روی کار آمدن سلسله‌های ترک از پایان قرن چهارم بوسیله البتکین و جانشینان او باب شد، و چیزی از آغاز حکومت غزنوی نگذشت که آل افراسیاب نیز با حمله بر ماوراءالنهر و برچیدن بساط حکومت سامانی سلسله‌ی از شاهان ترک‌نژاد که بزودی بچند شعبه انقسام یافت، در ماوراءالنهر پدید آوردند.»

روم شرقی و تا شمال آفریقا تشکیل دهند. سلجوقیان سرانجام مغلوب خوارزمشاهیان شدند و نوبت حکومت را به شاخه‌ی دیگری از ترکان و نژاد زرد سپردند.

ترکان بی‌سواد و مهاجم چون نمی‌توانستند در مقابل خرد، اندیشه و دانش ایرانیان اظهار وجود نمایند، به ناچار با ایجاد ترس و ترور و قتل عام‌های فجیع بر سراسر ایران مسلط شدند.

از سنت آنان پیروی کردند. در این دستگاهها امیران و وزراء و گاه شاعران را نیز هر یک غلامان و بندگان نیکو روی متحمل بود^۱ و عدد غلامان سلطان از سربازی و سواران سلطانی و جز آنان گاه بچند هزار تن بالغ میشد.^۲

«مرکز مهم تجمع و خرید و فروش غلامان در این دوره ماوراءالنهر بود و عده غلامانی که از ممالک مختلف میآوردند بقراوانی غلامان ترک نمیرسید. تمام دربارها و خانههای رجال را در این دوره غلامان ترک فرا گرفته بودند.»

«در ماوراءالنهر بر اثر آنکه همه جای آنرا ترکان احاطه کرده بودند، بنده بحدی فراوان بود که علاوه بر رفع احتیاج اهالی یا امرا و

فرهنگ خرید و فروش کودکان کم سن و سال و ایجاد حرم سراهای کودکانه و روابط فاسد اخلاقی با کودکان و نوجوانان، هدیه شومی است که

از جانب ترکان زردپوست به ایران وارد شد.

تسلط یافته و سعی کردند مغلوب شدگان را چنانکه باید بدوشتند و آنان را بنظر برده و بنده و مردمی مخدول و منکوب بنگرند و هر گونه عملی را درباره مغلوبین شایسته بدانند. «یکی از بدبختی‌های دیگر ایرانیان در این دوره آن بود که با عده‌بی از امرا سر و کار داشته‌اند که خود یگروز مملوک دیگری بوده و در خانه‌های بازرگانان و مردم عادی یا در دستگاه وزراء و رجال و امرا و سلاطین سمت بندگی داشته و در خشونت و سختی و

تشکیل این دو سلسله در اواخر قرن چهارم مقدمه ایجاد سلسله‌های متعدد امرای ترک از قرن پنجم بیعت شد، و این سلسله‌های ترک‌نژاد، خواه آنانکه از قبایل زردپوست بودند خواه آنانکه از غلامان زردپوست، در تمام دوره مورد مطالعه ما نواحی وسیعی را از دره سند تا سواحل مدیترانه را در اختیار گرفته و بر این ممالک پهناور حکومت کرده‌اند.»

«در میان سلسله‌های این عهد، چند سلسله ایرانی هم دیده میشود. این سلسله‌ها یا بازماندگان سلاله‌های قدیمند که باجگزار حکومت‌های ترک شدند، و بهمین سبب باقی ماندند، مانند سلسله آل باوند و سلسله شروانشاهان، و یا اگر قدرت فراوان یافته باشند دوره تسلط آنان کوتاه بود و زود در برابر ترکان جنگاور بزانو درآمدند، مانند:»

«سلسله سلاطین آل شنسب غور که اگر چه یک امپراطوری زورمند در افغانستان و هندوستان بوجود آوردند، لیکن بزودی در نتیجه غلبه غلامان ترک از طرفی، و حملات خوارزمشاهان آل اتسز از طرفی دیگر، دچار ضعف و انقراض شدند.»

«امرا و سلاطینی که در این عهد بر ایران حکومت داشتند، غالباً مردمی فاسد بودند و اگر چه بیشتر آنان جنگجو و فاتح بوده‌اند، لیکن با این مزیت نقائص اخلاقی بسیار داشتند و معمولاً مردمی بیرحم، شرابخواره، عیاش، بی‌حفاظ، سفاک، متعددی بجان و مال مردم بودند. این امری طبیعی است، زیرا اینان بیگانگانی بودند که بر سرزمین ایران

بسیاری از دلان و کارچاق کن‌های معاملات کودکانه، از راه تجارت کودکان به ثروت‌های کلانی دست یافتند.

رجال آن نواحی، بسایر بلاد اسلام هم نقل می‌کردند.^۳

«از این غلامان بسیار مردم بامارت رسیدند و مشاغلی از قبیل سپاهسالاری قوا و حاجبی و حکومت ولایات بزرگ یافتند و حتی کار برخی از آنان بدانجا کشید که بخلع سلاطین و حبس و قتل آنان مبادرت کردند. از آنهاست طغرل کافر نعمت که از غلامان غزنویان بود و عبدالرشیدبن مسعود را از سلطنت خلع کرد و بسیاری از شاهزادگان غزنوی را کشت.»

ادامه دارد.

۱- تاریخ بیهقی چاپ مرحوم دکتر غنی و دکتر فیاض ص ۱۴۶

۲- تاریخ بیهقی ص ۴۸۲، ۵۶۸، ۵۷۱

۳- معجم البلدان طبع لایبزیگ ج ۴ ص ۴۰۱

غلامان ترک

«بعد از دوره سامانیان مهمترین مرکزی که غلامان ترک در آن گرد آمده بودند، دستگاه سلطان محمود و بعد از او دربار سلطان مسعود غزنوی بود. بعد از زوال حکومت آل سبکتکین، سلاجقه در این باب

از سنت آنان پیروی کردند. در این دستگاهها امیران و وزراء و گاه شاعران را نیز هر یک غلامان و بندگان نیکو روی متحمل بود^۱ و عدد غلامان سلطان از سربازی و سواران سلطانی و جز آنان گاه بچند هزار تن بالغ میشد.^۲

«مرکز مهم تجمع و خرید و فروش غلامان در این دوره ماوراءالنهر بود و عده غلامانی که از ممالک مختلف میآوردند بفرآوانی غلامان ترک نمیرسید. تمام دربارها و خانههای رجال را در این دوره غلامان ترک فرا گرفته بودند.»

«در ماوراءالنهر بر اثر آنکه همه جای آنرا ترکان احاطه کرده بودند، بنده بحدی فراوان بود که علاوه بر رفع احتیاج اهالی یا امرا و

فرهنگ خرید و فروش کودکان کم سن و سال و ایجاد حرم سراهای کودکان و روابط فاسد اخلاقی با کودکان و نوجوانان، هدیه شومی است که از جانب ترکان زردپوست به ایران وارد شد.

تسلط یافته و سعی کردند مغلوب شدگان را چنانکه باید بدوشند و آنان را بنظر برده و بنده و مردمی مخدول و منکوب بنگرند و هر گونه عملی را درباره مغلوبین شایسته بدانند. «یکی از بدبختیهای دیگر ایرانیان در این دوره آن بود که با عدهی از امرا سر و کار داشتهاند که خود یگروز مملوک دیگری بوده و در خانههای بازرگانان و مردم عادی یا در دستگاه وزراء و رجال و امرا و سلاطین سمت بندگی داشته و در خشونت و سختی و

تشکیل این دو سلسله در اواخر قرن چهارم مقدمه ایجاد سلسلههای متعدد امرای ترک از قرن پنجم بیعد شد، و این سلسلههای ترک نژاد، خواه آنانکه از قبایل زردپوست بودند خواه آنانکه از غلامان زردپوست، در تمام دوره مورد مطالعه ما نواحی وسیعی را از دره سند تا سواحل مدیترانه را در اختیار گرفته و بر این ممالک پهناور حکومت کردهاند.»

«در میان سلسلههای این عهد، چند سلسله ایرانی هم دیده میشود. این سلسلهها یا بازماندگان سلالههای قدیمند که باجگزار حکومتهای ترک شدند، و بهمین سبب باقی ماندند، مانند سلسله آل باوند و سلسله شروانشاهان، و یا اگر قدرت فراوان یافته باشند دوره تسلط آنان کوتاه بود و زود در برابر ترکان جنگاور بزانو درآمدند، مانند:»

«سلسله سلاطین آل شنسب غور که اگر چه یک امپراطوری زورمند در افغانستان و هندوستان بوجود آوردند، لیکن بزودی در نتیجه غلبه غلامان ترک از طرفی، و حملات خوارزمشاهان آل اتسز از طرفی دیگر، دچار ضعف و انقراض شدند.»

«امرا و سلاطینی که در این عهد بر ایران حکومت داشتند، غالباً مردمی فاسد بودند و اگر چه بیشتر آنان جنگجو و فاتح بودهاند، لیکن با این مزیت نقائص اخلاقی بسیار داشتند و معمولاً مردمی بیرحم، شرابخواره، عیاش، بیحفاظ، سفاک، متعددی بجان و مال مردم بودند. این امری طبیعی است، زیرا اینان بیگانگانی بودند که بر سرزمین ایران

بسیاری از دلایان و کارچاق کن های معاملات کودکان، از راه تجارت کودکان به ثروت های کلانی دست یافتند.

رجال آن نواحی، بسایر بلاد اسلام هم نقل می کردند.^۳

«از این غلامان بسیار مردم بامارت رسیدند و مشاغلی از قبیل سپاهسالاری قوا و حاجبی و حکومت ولایات بزرگ یافتند و حتی کار برخی از آنان بدانجا کشید که بخلع سلاطین و حبس و قتل آنان مبادرت کردند. از آنهاست طغرل کافر نعمت که از غلامان غزنویان بود و عبدالرشیدبن مسعود را از سلطنت خلع کرد و بسیاری از شاهزادگان غزنوی را کشت.»

ادامه دارد.

۱- تاریخ بیهقی چاپ مرحوم دکتر غنی و دکتر فیاض ص ۱۴۶

۲- تاریخ بیهقی ص ۴۸۲، ۵۶۸، ۵۷۱

۳- معجم البلدان طبع لایبزیگ ج ۴ ص ۴۰۱

غلامان ترک

«بعد از دوره سامانیان مهمترین مرکزی که غلامان ترک در آن گرد آمده بودند، دستگاه سلطان محمود و بعد از او دربار سلطان مسعود غزنوی بود. بعد از زوال حکومت آل سبکتکین، سلاجقه در این باب